



آینده‌نگری در ادیان مختلف به چه صورت است

آینده‌نگری در همه ادیان وجود دارد، اما بحث از امکان و عدم امکان آینده‌نگری به جز از مسیر دین از زمره مباحث فلسفه محسوب می‌شود.

آینده‌نگری در همه ادیان وجود دارد، اما بحث از امکان و عدم امکان آینده‌نگری به جز از مسیر دین از زمره مباحث فلسفه محسوب می‌شود.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، آینده‌نگری در همه ادیان وجود دارد، اما بحث از امکان و عدم امکان آینده‌نگری به جز از مسیر دین از زمره مباحث فلسفه محسوب می‌شود.

هم دینداران به تبع اندیشه‌های ملهم از دین نگاهی به آینده داشته‌اند، هم فیلسوفان در اطراف آن تأمل کرده‌اند و هم امروزه علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسان تاریخی به نظریه پردازی در این باب پرداخته‌اند.

در میان ادیان شاید نتوان دینی را یافت که آینده‌نگری و به نوعی پیش‌بینی آینده در آن یافت نشود. از اعتقاد به ظهور «مسیح» در یهودیت، آینده‌نگری مثبت در مزامیر داوود، مفهوم «فارقلیط» به معنای نجات‌دهنده و اندیشه عروج مسیح به آسمان در مسیحیت، دوران‌های تاریخی و «سوشیانت یا سوشیانس» در زرتشت گرفته تا اعتقاد به «اوتارها» در بودیسم و مظاهر برهمن، به نوعی همه موضوعاتی پیرامون فرجام اندیشی در ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی بوده‌اند.

*آینده‌نگری در بودا

بودا، در فرمان‌های خود به آینده‌نگری بشر پرداخته است. بودا بر این باور است که در آینده انسان در دوره‌ای از زمان دچار نابسامانی و بحران می‌شود. انسان‌های بحران زده در جامعه، مردمانی استثمارگر، ستمگر و پوچ‌گرا خواهند بود. آنها بدی را عین خوبی می‌پندارند و هیچ تفاوتی بین خیر و شر قائل نیستند و تنها به امیال جنسی خویش ارج می‌نهند و به زندگی تجملاتی گرایش می‌یابند، کودکان دچار تغییراتی می‌شوند که برای والدین قابل درک نیست و این مسئله چیزی است که هیچ دین و آیینی خواستار آن نیست.

پس از آن جامعه وارد دروانی تازه می‌شود، دورانی که انسان به رشد روحی بزرگی دست می‌یابد و در زبان پالی آن را METTRAL SRIARAYE می‌نامند. معنای این کلمه این است که در آینده جامعه‌ای متمدن، سرشار از آگاهی و در اوج کمال پدید خواهد آمد و هر انسانی که در این جامعه مدنی قرار گیرد، به طور کلی به فضای DHAMMA وارد می‌شود و تحول بزرگی در جامعه بشری به وجود می‌آید.

این مرحله از تاریخ با یک انسان ظهور می‌کند. او بر شتر سفیدی سوار است و از صحرا می‌آید تعداد زیادی از یارانش که شمارشان به بیش از هزار نفر می‌رسد، او را همراهی می‌کنند. طبق گفته بودا، دین نه دیکتاتوری است و نه دموکراسی تمام عیار و نه از سنخ مکتب‌های چهل آمیز مادی‌گرا. بنابراین عدالت باید برای همه در جامعه رعایت شود، هیچ گونه بی‌عدالتی، ریاکاری و عمل خلافی در چنین جامعه‌ای از دید قانون پوشیده نمی‌ماند.

*آینده‌نگری در اندیشه مسیحی

در اندیشه تاریخی مسیحیت، آینده دوران روح القدس است. این اشاره به آینده یکی از ویژگی‌های اندیشه تاریخی مسیحیت در قرون وسطی است. اما چگونه می‌توان گفت در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد؟ در پاسخ باید گفت از طریق مکاشفه یعنی آینده بخشی از تاریخ است که حضرت مسیح راجع به خدا برای انسان مکشوف کرده است. این مکاشفه نه تنها کلید فهم آنچه را که خدا در گذشته انجام داده در اختیار انسان قرار می‌دهد بلکه آنچه را هم که خدا بر آن است که در آینده انجام دهد، به انسان نشان می‌دهد.

*آینده‌نگری در اندیشه اسلامی

قرآن کریم از آینده بشر و تحولاتی که جامعه انسانی شاهد آنها خواهد بود، سخن می‌گوید و مجموعه توصیفات را به ما ارائه می‌کند که برای رهبری انسان در مسیر خود به سوی آینده‌ای بهتر می‌توان از آنها استفاده کرد. با این همه انسان در اجرای

برنامه‌های خویش آزاد است و جامعه بشری مجموعه تنش‌های پیچیده و منافع متضاد است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: *وَتِلْكَ الْأَيَّامُ ثُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ*؛ انسان مسلمان به صورت یقینی می‌داند که فرجام کار و عاقبت از آن پرهیزکاران و پیروزی با مومنان است و آنها هستند که سرانجام به توفیق دست می‌یابند. ولی هیچکس نمی‌تواند شرایط و زمان آن را تشخیص دهد.

تمایز آینده نگری اسلام از آینده نگری ادیان دیگر، این است که اسلام، افزون بر معرفی کلی مهدویت به عنوان نماد آینده مثبت، به بیان جزئیات آن نیز پرداخته و با ارائه آموزه‌های روشن و معقول و نیز با تعریف صحیح و روشن از آینده نگری و آموزه مهدویت و از همه مهم‌تر، با مشخص کردن مصداق منجی و زنده و حاضر بودن او در این دنیا و نیز نظارت وی بر اعمال و گفتار انسان‌ها، اندیشه نگری را از مقام عقل نظری به جایگاه عقل عملی سوق داده و آن را برای بشر و جوامع بشری عملی و کاربردی کرده است.

*آینده نگری فطری و مادی

نوع آینده نگری ادیان فطری است. دیدگاه فطری بودن آینده نگری، خاستگاه آینده نگری را عقل و فطرت و اقتضاهای انسانی دانسته و دین و تعالیم دینی را عامل مشوق و تعیین کننده ویژگی و شاخصه‌های آن می‌داند.

مقابل دیدگاه فطری بودن آینده نگری، دیدگاه کسانی مطرح است که آینده نگری مثبت را برخاسته از محرومیت‌ها، ناکامی‌ها و نابسامانی‌های انسان‌های شکست خورده می‌دانند که غالباً پیروان ادیان هستند. در واقع در نگاه این دسته از فیلسوفان تاریخ، خاستگاه نگرش مثبت به آینده، سرخوردگی‌ها و بحران‌های روحی و روانی جوامع مذهبی است.

*آینده نگری فلسفی

فیلسوفان تاریخ بر آن هستند که آینده تاریخ به سمت تکامل و کمال حرکت می‌کند، یعنی معتقدند تاریخ به سوی صلح، معنویت، حاکمیت مذهب و ارزش‌های اخلاقی و متعالی در حرکت است. در حالیکه فلسفه تاریخ ظرفیت علوم اجتماعی را در توسعه قوانین جهان شمول، از طریق کاربرد روش‌هایی مانند آزمایش رد می‌کند، اما تاکید دارد که از طریق اثبات قوانین توسعه تاریخی، پیش بینی جریان آینده تاریخ امکان پذیر است.

*آینده نگری علمی

پس از قرون وسطی، اولین نشانه‌های جدی توجه انسان به آینده در عصر روشنگری دیده می‌شود، عصری که انسان باور داشت علوم برای هر چیزی راه حلی خواهند یافت. قوانین نیوتن در مورد حرکت، درک و تحلیل بسیاری از پدیده‌ها را ممکن ساخته بود. در اثر رشد شتابان علوم در این دوره، متفکران عصر روشنگری واقعا به این نتیجه رسیده بودند که تنها زمان می‌خواهد تا همه قوانین و قواعد جامعه و محیط پیرامون بشر معلوم و آشکار شود.

در همین دوران، برخلاف گذشته که بیشتر متفکران افق‌های کاملاً روشنی از آینده تصویر می‌کردند تجسم‌های تیره تری از آینده نیز نضج یافت. آثار متفکران نظیر اچ.جی. ولز، جورج اورول و آلدوس هاکسلی از زمره چنین اندیشه‌هایی محسوب می‌شود و با چنین نمونه‌هایی است که به کلی آینده پژوهی راه خود را به ادبیات باز می‌کند.

منبع: فلسفه نظری تاریخ؛ مفاهیم و نظریه‌ها اثر مجید کافی